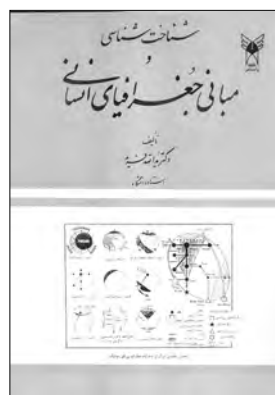


# شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی



○ عباس جلالی

○ شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی  
○ تألیف: دکتر یدالله فرید  
○ ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر،  
۱۳۷۹، ۵۷۴ ص، ۱۵۰۰۰ ریال

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا  
آذر  
ماه  
۱۳۸۷

فرهنگ‌های گوناگون فلسفی چون فرهنگ فلسفی لاروس و لالاند و... به‌دست داده است. نویسنده در جست‌وجو برای تعاریفی نو و علمی از جغرافیا دیدگاه‌های فلسفی دانشمندان را با نام جغرافیایی آن نظریات بررسی نموده و با همه اینها، جغرافیا را دانشی میان‌رشته‌ای و علمی چهار راهی میان علوم طبیعی و اجتماعی دانسته است. او علم جغرافیا را به خاطر ویژگی کلی‌نگری در ترکیب و همسازی پدیده‌ها و فراخی میدان مطالعات در برابر جوانگری و انتزاع دیگر علوم زمین ستوده است. وی از دیگر سو اعلام می‌دارد که «تدوین قانون در قلمرو جغرافیای انسانی به اتکای واقعیت‌های انسانی مبتنی بر استدلال قطعی و تغییرناپذیر، اگر مجال نباشد، دور از مشکل هم نیست.» (ص ۱۷). گام زدن در هزار توی فلسفه تاریخی جغرافیا، تنها به یاری پیشینه دیرسال پژوهش‌ها، دلبستگی شدید نویسنده به این رشته و تجربه‌های فراوان وی از درس و بحث و چگیری بر زبان فرانسه ممکن شده است. بهره بردن کتاب از چارچوب‌های علمی و روشن، نگارش روان و دلنشین، آن را به اثری ماندگار و کتابی پایه برای جغرافی‌خوانان و جغرافی‌پژوهان به‌ویژه در رشته انسانی بدل کرده است.

نویسنده باور دارد که هر پژوهشگر جغرافیا با چهار عامل اساسی؛ شناخت‌شناسی، متافیزیک، مسئله قابل بحث و سؤال‌برانگیز، نظریه و تجربه روبروست بنابراین هر یک را در زیر فصلی جداگانه بررسی کرده است و در پایان آورده که پژوهشگر به یاری شناخت‌شناسی و مفاهیم آن از آزادی علم نگاهبانی و پاسداری می‌کند.

در فصل دوم نگرش‌های گوناگون کلاسیک، نومثبت‌گرایی (نئوپوزیتیویست)،<sup>۱</sup> بنیادی و رفتاری را بررسی کرده است و سرانجام نظریات دو دانشمند سویسی و بلژیکی را در طرح پرسش‌های ششگانه، برای ارزیابی روابط متقابل انسان‌ها با فضای جغرافیایی و تعیین مرز جغرافیای انسانی در سایر دانش‌ها را همراه با نموداری مطرح کرده است. از مهمترین بخش‌های این فصل «فضای جغرافیایی» است که در آن واژه فضا در برابر (Place) انگلیسی به کار رفته و علاوه بر ابعاد سه‌گانه طول، عرض و ارتفاع، جغرافیادانان نوگرا، بُعد چهارم یا زمان را نیز بدان افزوده‌اند، زیرا همه مکان‌یابی‌ها، در بهینه مکان و در زمانی معین انجام می‌گیرد. سپس مفهوم دوگانه فضای مطلق و فضای نسبی را به طور گسترده شرح داده است و در نموداری بسیار دیدنی و ساده بر مبنای ویژگی‌های فضا، طبقه‌بندی جامعی از فضا را بدست داده که برگرفته از نظریات مل<sup>۲</sup> و رمر<sup>۳</sup> است (ص ۷۶).

نویسنده در زیرفصل «زمان و جامعه» مباحث بسیار تازه‌ای را گشوده که برای جغرافیای شناخته شده در ایران بعدی غریب و ناشناخته است. گویی که جغرافیا یک بار دیگر به دیواره‌های کهن فلسفه و فیزیک گاهشماری نزدیک شده است. وی در این زمینه از نظریات هانری برگسن<sup>۴</sup> فیلسوف و هاگروستواند، جغرافیادان سوئدی سود جسته است که بخش یکسره کاربردی آن در جغرافیای کنونی «بودجه فضایی - زمانی» نام گرفته است.

در حالی که نخستین نسل جغرافیادانان ایران هنوز در زمینه این علم قلم می‌زنند، عمر چندان برای این رشته نمی‌توان قائل شد. جغرافیای نوین ایران جوان می‌نماید، به‌ویژه اگر به یاد آوریم که نخستین کتاب در زمینه جغرافیای انسانی در پایان دهه ۱۳۳۰ خورشیدی نوشته شده است. دکتر ودیعی با نوشتن کتاب جغرافیای انسانی عمومی گام نخست را برداشت و «مکتب تبریز» نام خود را پرآوازه کرد. چند سالی نگذشته بود که یار تازه‌نفسی به این گروه پیوست (۱۳۴۳ ش) که او نیز در مدرسه جغرافیای فرانسه از پیروژ<sup>۱</sup> آموخته بود. با همه دشواری‌های راه، دکتر فرید نیز گام در این پهنه نهاد. او نگارش کتابی در زمینه جغرافیای انسانی را آغاز نمود و اثری به نام سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی را به چاپ سپرد تا ستاره جغرافیای انسانی یک بار دیگر در تبریز درخشیدن گیرد. اما آنچه همواره نویسندگان این دو اثر را رو در روی خود نگه می‌داشت، تعریفی پذیرفتنی برای شناخت مرزهای این رشته از جغرافیا بود. دکتر فرید پس از تلاشی ستودنی در کتاب نخست خود برای شناساندن اندیشه‌های جغرافیای انسانی و قلمرو آن، پس از گذشت نزدیک به بیست و دو سال، دست به کار آفرینش اثری تازه در بنیان‌های جغرافیای انسانی زده است که اینک در پیش روی ماست.

نویسنده در پیشگفتار خود بر ناپیوستگی جغرافیای (انسانی) با دیگر دانش‌های اجتماعی پای فشرده است، هرچند نقش آنها را در گسترده‌تر نمودن نگرش‌ها نیز انکار نکرده است. وی پویایی جغرافیای انسانی و گذر از شیوه سنتی آن به «جغرافیای انسانی نو» را هدف قرار داده است. استاد فرید یک بار دیگر بر آن شده تا هرچه روشن‌تر وضعیت و ماهیت این رشته از جغرافیا را به نمایش گذارد. به همین خاطر بخش نخست کتاب خود را «شناخت‌شناسی جغرافیای انسانی» نام داده و ۱۳۰ صفحه (نزدیک به ۱۵) از کتاب را در سه فصل؛ شناخت‌شناسی چیست؟ شناخت‌شناسی جغرافیای انسانی، نوآوری دیگر در شناخت‌شناسی و روش‌شناسی جغرافیای انسانی، اختصاص داده است. در این بررسی نویسنده از واژه‌شناسی «شناخت» آغاز کرده و تعریف آن را از

فصل سوم از بخش نخست را واپسین فوران قلّه خاموش جغرافیا در خود گرفته است که شاید برای جغرافیای‌خوانان ایران از پرکشش‌ترین و شگفت‌ترین زمینه‌ها باشد، **جغرافیای کورماتیک** که می‌توان برابر نهاده فارسی «جغرافیای نمادنگار» یا «جغرافیای کوره‌ای» را برای آن پیشنهاد نمود. این‌گونه از جغرافیا آخرین دستاورد مکتب فرانسه (۱۹۸۰ م) است که جغرافیایان معاصر **رژه برونه**<sup>۷</sup> آن را به‌وجود آورده است.

نویسنده برای شناساندن این شاخه نوپای جغرافیا تلاشی درخور انجام داده است. تصویر روی جلد کتاب نیز نمادنگاری جغرافیای ایران با عنوان «تحلیل فضای ایران از دیدگاه جغرافیای کورماتیک» برگزیده شده که بسیار پرکشش و جالب، اما اندکی کوچک است. این پدیده در میان جغرافیای‌خوانان ایران چندان شناخته نیست، دست‌کم تا سال ۱۳۷۷ که برنارد هورکاد موضوع «موز آبی» (صفحه‌های ۱۱۲ و ۱۱۳ همین کتاب) را در مشهد به زبان فارسی کنفرانس می‌داد، برای جغرافیای‌خوانان و جغرافیادانان آن سامان چیزی شگفت و ناشناخته بود.

نویسنده بخش دوم «مبانی جغرافیای انسانی» را در ۱۰ فصل؛ تعاریف، مفاهیم و گرایش‌ها در قلمرو جغرافیای انسانی، مبانی فیزیکی جغرافیای انسانی، مبانی اکولوژیکی جغرافیای انسانی، مبانی بیولوژیکی جغرافیای انسانی، مبانی اجتماعی جغرافیای انسانی، جغرافیای روستایی، جغرافیای شهری، جغرافیای انسانی در رابطه با جغرافیای اقتصادی و نظریه‌های نو در این قلمرو، جغرافیای فرهنگی، ناحیه، محدوده فضایی برای تحقیقات جغرافیایی نگاشته است.

فصل یکم از بخش دوم با تعریف **آلبر دمانژن** جغرافیایان فرانسوی از جغرافیای انسانی در آغاز سده بیستم آغاز می‌گردد که آن را «مطالعه روابط انسان با محیط طبیعی» می‌داند. سپس تعریف **ماکسیمیلیان سور** را پیش می‌کشد که آن را «توصیف علمی پراکندگی مناظر و چشم‌اندازهای انسانی بر روی کره زمین» می‌داند. این فصل پیشگامی کشورهای فرانسه زبان و سوئد را در نظریه‌های نوین نشان داده و جغرافیا را در پیوند علوم دیگر به عنوان دانش ترکیب فضایی و روابط همزیستی انسان‌ها به گفت‌وگو نشسته است.

از دیگر فصل‌های مهم کتاب، فصل هفتم آن «جغرافیای شهری» است که در ۳۶ صفحه تدوین شده است. این فصل نخست به تعاریف و مفاهیم پرداخته و با سود جستن از واژگان فرانسه تلاش کرده تا تعاریف‌های هر یک را مشخص نماید که نمایشی از ژرف‌نگری و دقت علمی نویسنده است. نویسنده تعریف **پل کلاوال**<sup>۸</sup> را برای شهر که از تازه‌ترین تعاریف است ذکر نموده، «بخشی از فضا است که بوسیله گروه‌های اجتماعی به گونه‌ای آمایش می‌یابد تا به حصول روابط و برهمکنش‌های انبوه و متراکم اجتماعی فرصت دهد»، سپس به نشستگاه‌ها (محل استقرار) شهرها پرداخته و آن را دسته‌بندی کرده است. از برجسته‌ترین قسمت‌ها، شرح چهار اصطلاحی است که در گفت‌وگوهای شهرشناسی به‌ویژه بحث طراحی و شکل‌یابی شهرها کاربرد دارد: (۱) **تار و پود شهری**، (۲) **بافت شهری**، (۳) **شبکه شهری**، (۴) **سلسله مراتب شهری**. شایسته بود نویسنده در اینجا همراه برابر نهاده‌های فرانسه، برابرهای انگلیسی آن‌ها را نیز می‌نگاشت، هرچند واژگان هم‌ریشه در آن فراوان به چشم می‌خورد. مؤلف برای هرچه روشن‌تر شدن مفهوم سلسله مراتب شهری از نمودارهایی نیز بهره گرفته است که یکی از آنها اجرای قانون زیف بر روی شهرهای فرانسه را نشان می‌دهد.

در زیر فصل بعدی «شکل‌پذیری شهری و کاربری فضای شهری»، نخست الگوی چهارگانه **کلاوال** را مطرح ساخته که با توجه به چگونگی استقرار مراکز ارتباط و راه‌های ارتباطی تنظیم یافته است و در نموداری از کلاوال مراحل شکل‌پذیری شهرها و محلات مرکزی آنها را به نمایش گذاشته است. زیرفصل «تئوری‌های فضایی درون‌شهری» چهار نظریه حاکم بر ساختار فضای شهری را توضیح داده است. در زیرفصل «مدل‌ها و الگوهای شهری و شیوه انتخاب و

اجرای آنها» سه الگو را آورده است «الگوی مناطق متحدالمرکز برگسن»، «الگوی قطاعی» و «شهر یا مراکز جاذبه متعدد» که برای هر یک نمودارهایی آورده است و در پایان این فصل «نگرش‌های نوین در بستر جغرافیای شهری» را بررسی کرده است.

زبان آموزشی کتاب، از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود مانند بخش «نظریه» در صفحه ۵۱. نویسنده در واپسین گفته‌هایش در قسمت «نتیجه» (ص ۵۳۱) جغرافیای کلاسیک را به خاطر ناتوانی‌ها و توجه بیش از اندازه‌اش به اقتصاد، سرزنش کرده، مردود می‌شمارد و جغرافیای نوگرا را به دلیل مطالعه سامانه‌های «ژئواکولوژیک»<sup>۹</sup> [= زمین‌بومشناختی] آن می‌ستاید.

زبان علمی نویسنده فرانسه است، از این رو منابع وی برای این کتاب تقریباً یکسره کتاب‌های فرانسوی می‌باشد. او برای هر فصل منابع را جداگانه در دو بخش فرانسه و فارسی به ترتیب الفبا چیده است، بجز بخش یکم کتاب که منابع هر سه فصل آن در یک‌جا آمده است. وی از ۳۰ کتاب فرانسه، ۶ کتاب فارسی و تنها یک کتاب انگلیسی سود جسته که آن هم فرهنگ فلسفی رزنتال<sup>۱۰</sup> بوده است. کار بسیار سودمند نویسنده که گونه‌ای نوآوری نیز شمرده می‌شود، معرفی کوتاهی است که برای آشنایی بیشتر خوانندگان، برای هر کتاب نگاشته است. انگیزه این کار می‌تواند آگاهی از این موضوع باشد که بیشتر خوانندگان امروزی این اثر با زبان فرانسه بیگانه‌اند. این نوآوری از دیگر سو می‌تواند انگیزه‌ای برای یادگیری زبان دوم (فرانسه) برای خوانندگان کتاب نیز شمرده شود. مؤلف در فصل یکم از بخش دوم ۱۴ منبع فرانسه و ۶ فارسی را به کار گرفته که ۴ کتاب آن از آثار خود وی می‌باشد. در این‌جا نیز همان شیوه توضیح کتاب‌های فرانسه را به کار گرفته، اما کتاب‌های معرفی شده در فصل‌های پیشین، تنها و بدون معرفی مانده‌اند.

نویسنده در آخرین فصل (دهم) از ۲۱ کتاب فرانسه و ۴ کتاب فارسی که همگی آثار خود وی هستند بهره جسته است. گذشته از منابع، وی برای بالا بردن کارایی پژوهشی اثر، نمایه‌ای از نام کسان و جای نام‌ها را فراهم آورده که نمایه کسان از لغزش‌هایی که در زیر می‌آید، آسیب دیده است؛ بهتر بود روش یکسانی در ارائه اعلام به کار گرفته می‌شد.

برای یک چنین کار سترگی، شایسته‌تر آن بود که سیاهه‌ای از واژگان و اصطلاحات به کار رفته در این کتاب فراهم می‌آمد، این امر فرهنگی سه زبانه (فارسی، فرانسه و انگلیسی) را به‌وجود می‌آورد که می‌توانست کارایی پژوهشی کتاب را دوچندان نماید. هرچند این کار را نویسنده در جای جای کتاب به صورت پانوشته آورده است. کتاب سرشار از پانوشته‌هاست که گاه بسیار پرارزش و نادرند مانند پانوشته صفحه ۱۰۲ درباره‌ی واژه **کورم (Choreme)** که در کمتر جایی می‌توان آن را یافت. و در پایان به رغم به‌کارگیری واژگان دلنشین و زودیاب فارسی، چون بر همکنش، نابستگی و... که در مفاهیم علمی اثر به کار رفته، گاه برخی از واژگان که برابرهای خوبی نیز در فارسی دارند، رها شده‌اند. مانند سمبلیک [= نمادین]، توپولوژیک<sup>۱۱</sup> [= جایگاه‌شناختی]، پروژکتیو<sup>۱۲</sup> [= برون‌افکن / فراقکن]، مارژینال<sup>۱۳</sup> [= حاشیه‌ای] و سرانجام دست مریزادی برای فرهیخته پرتلاش و کارنامه درخشان او که صفحه پایانی کتاب را آدین بسته است. امید است که این کتاب مورد توجه علاقه‌مندان قرار بگیرد.

#### پی‌نوشت‌ها:

- |                   |                |
|-------------------|----------------|
| ۱- P. George.     | ۸- P. Claval   |
| ۲- Neo Positivist | ۹- Geoecologic |
| ۳- Moles          | ۱۰- Rosental   |
| ۴- Rohmer         | ۱۱- Topologic  |
| ۵- Bergson        | ۱۲- Projective |
| ۶- Chorematic     | ۱۳- Marginal   |
| ۷- R. Brunet      |                |